

# اقتصاد هنر و فعالیت‌های هنری

## و

### نقش آنها در توسعه صنایع فرهنگی

(به همراه گزارشی از فعالیت‌های مربوط به معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ارتباط با صنایع فرهنگی)

دکتر محمد حسین ایمانی خوشخو

فعالیت‌های هنری، به مثابه یکی از پر جاذبه‌ترین پدیده‌های زندگی و کامل‌ترین و متعالی‌ترین شیوه‌ی بیان - بی آن که لطمه‌ای به دیانت آدمیان وارد نماید - می‌تواند آنان را به سوی فضیلت و کمال و بهره‌مندی از حس زیبایی روحی و معنوی رهنمون کند. توسعه‌ی هنر و بسط و گسترش فعالیت‌های هنری در عصر ما با دو مقوله‌ی مهم و اساسی یعنی «صنعت فرهنگی و اقتصاد هنر» پیوند و ارتباط یافته است.

نظر به اهمیت و نقش «صنعت فرهنگی» و «اقتصاد هنر» و ارتباط تام این دو مقوله با توسعه‌ی فعالیت‌های هنری، لازم می‌دانم درباره‌ی هر یک هر چند به اختصار توضیحاتی ارائه دهم:

صنعت فرهنگی؛ بهره‌گیری از تکنولوژی و به‌منظور ایجاد حس نیاز و مطلوبیت برای مصرف‌کنندگان با بهره‌گیری از قوانین علم اقتصاد زمینه‌هایی گسترده برای دسترسی همگان به کالاهای فرهنگی و هنری را فراهم می‌آورد.

صنعت فرهنگی از یک سو به کمک فناوری‌های نوین دامنه‌ی نفوذ و رسوخ کالاهای فرهنگی را در لایه‌های مختلف جامعه تسری داده و از سوی دیگر نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت و همچنین مصرف محصولات فرهنگی را به صورت کاملاً محسوس تحت تأثیر قرار داده است. از جمله پیامدها و تبعات صنعت فرهنگی در جامعه، نیروی همانند کننده و تأثیری است که از این صنعت در روح مخاطبان ایجاد می‌شود و هدف آن استاندارد کردن سلیقه‌ها و پسند مردم از طریق تولید انبوه است. صنعت فرهنگی، اوقات فراغت مردم از طریق پیوند هنر و تفریح

در دوران پرنشیب و و فراز کنونی که جهان، دائم در آستانه‌ی تحولات و حوادث گوناگون است، جامعه‌ی انقلابی ما در مسیری گام برمی‌دارد که اصل پیشرفت و توسعه پایدار و همه‌جانبه، سرلوحه‌ی همه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های آن به شمار می‌رود. دستیابی به اهداف متعالی انقلاب و سیاست‌ها و خط‌مشی سند چشم‌انداز توسعه، بهره‌گیری از علوم و فنون جدید و فناوری‌های نوین اجتناب‌ناپذیر ساخته است. توسعه و رشد متوازن و پایدار بر پایه‌ی فرهنگ و اقتصاد، از دستاوردهای بزرگی است که در کنار مفاهیمی چون فضیلت، دانش، کمال، خلاقیت و مهارت می‌تواند جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی رهنمون گردد.

توسعه پایدار منجر به کاهش محرومیت‌ها و بروز برابری‌های اجتماعی - اقتصادی می‌شود و امکانات و تسهیلاتی را فراهم می‌آورد که در سایه‌ی آن مردم می‌توانند با برخورداری از آرامش و امنیت و متناسب با استعداد و همت خویش در مسیر کمال انسانی قرار گیرند. جامعه‌شناسان فرهنگی بر این باورند که اهداف برنامه‌ی توسعه هنگامی تحقق خواهد یافت که با امان نظر و عنایت به فرهنگ ملی و مذهبی جامعه و ارزش‌های دوام‌پذیر آن تدوین یافته باشد و به عبارت دیگر ضمانت اجرایی هر برنامه‌ی توسعه، توجه همه‌جانبه به جنبه‌های ارزشی و فرهنگی آن است.

فرهنگ و هنر به‌عنوان بستر و زیربنای توسعه، می‌تواند موجبات رشد و بالندگی سایر حوزه‌های توسعه را فراهم آورد و توفیق آن را تضمین کند.



نگاهی به خصوصیات صنعت فرهنگی متضمن این واقعیت است که مسئولیت سیاستگذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی در قبال کارکردها و خصوصیات این صنعت تا چه میزان خطیر و سنگین است و تنها با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر اندیشیده است که می‌توان از تبعات و پیامدهای ناخوشایند آن در امان ماند.

از سوی دیگر، بی‌اهمیت جلوه دادن نقش صنعت فرهنگی، نوعی سطحی‌نگری است که طبعاً راه به جایی نمی‌برد. تردیدی نیست که جاذبه‌های صنعت فرهنگی نمی‌گذارد در این عرصه بی‌تفاوت بمانیم؛ زیرا نقش مهمی که صنعت فرهنگی برای مخاطبان و مصرف‌کنندگان ایفا می‌کند محل مناقشه نیست و باید مهم و اساسی تلقی شود.

صنعت فرهنگی را به عنوان بخشی از واقعیت و همچون جلوه‌ای از روح و روان عصر حاضر باید جدی گرفت و با آن برخوردی سنجیده و هوشمندانه داشت.

تردیدی نیست که کارکرد یک پدیده نمی‌تواند تضمینی برای کیفیت آن تلقی گردد، و نقش صنعت فرهنگی در تأثیرگذاری بر وضعیت روحی و روانی افراد جامعه نباید ما را از بررسی و تبیین آثار مخرب و زیانبار آن باز دارد؛ زیرا در این مقوله، فرهنگ در اختیار صنعت و صنعت نیز در خدمت اقتصاد است که منطبق آن بر سود استوار است. در حقیقت، در صنعت فرهنگی این اقتصاد و منفعت‌طلبی است که فرهنگ را جهت می‌دهد. همان‌گونه که اشاره شد، صنعت فرهنگی با اقتصاد هنر - به‌عنوان یکی از شاخه‌های جدید علم اقتصاد - پیوندی اندام‌وار و تام دارد. کارکرد اقتصادی فعالیت‌های هنری عمدتاً مدیون پدید آمدن صنعت فرهنگی و پیشرفت و تکامل آن با تحولات تکنولوژیک در تولید و عرضه‌ی نسبتاً ارزان محصولات هنری و در نتیجه فراهم شدن امکان مصرف‌انبوه آن در ارتباط است.

تحت انقیاد خود قرار می‌دهد و رؤیا و واقعیت را در هم ادغام می‌کند. در این کشاکش غایت و مقصود هنر، تفریح همان منزلت هنر را می‌یابد. از دیگر ترفندهای صنعت فرهنگی آشتی دادن قطب‌های متضاد با هم است. تلاش می‌شود تا هنر جدی و هنر آسان به هم نزدیک شوند. صنعت فرهنگی به رغم شباهت‌هایی که با دیگر صنایع دارد، از دیدگاه جامعه‌شناختی ویژگی‌های کارکردی و جانبدارانه‌ی خود را داراست.

قوانین و استانداردهای صنعتی در فراگرد تولید در عرصه‌ی صنعت فرهنگی نیز حاکم است که از جمله می‌توان موارد زیر را یادآوری کرد:

- ۱- تعارض دائم بین هنرمندان فعال در صنعت فرهنگ - به عنوان پدید آورندگان آثار هنری و کنترل‌کنندگان این صنعت.
  - ۲- صنعت فرهنگی (برخلاف ارائه‌ی هنر به صورت زنده و وجود تعامل بین آفریننده و مخاطب) شخص ثالثی را به عنوان سرمایه‌گذار، با اهداف و ایدئولوژی مشخص وارد چرخه‌ی تولید می‌کند.
  - ۳- نقش ایدئولوژی و دیدگاه‌های عقیدتی در تولیدات صنعت فرهنگی بارز و برجسته است.
  - ۴- گستره‌ی صنعت فرهنگی بسیار فراتر از مرزهای ملی است و جنبه‌ی جهان شمول دارد و به همین نسبت دامنه‌ی اثربخشی و تأثیرگذاری آن در ابعاد بسیار وسیعی قابل تصور است.
  - ۵- همانند سازی و سازگاری با نظم موجود از خصوصیات بارز صنعت فرهنگی است.
- این امر بازتابی است از قدرت صنعت فرهنگی و حضور فراگیر آن. بدیهی است این امر می‌تواند به انفعال و پذیرش وضع موجود بیانجامد تا حدی که این احساس را القاء کند که جهان در جهت نظمی قرار دارد که صنعت فرهنگی دنبال می‌کند.



و تأکید بر نقش آن‌ها در توسعه فرهنگی، اکنون این پرسش اساسی مطرح می‌شود که فعالیت‌های هنری در شرایط کنونی و در ارتباط با این دو مقوله، چگونه می‌تواند توقعات و نیازهای جامعه‌ی متحول و انقلابی ما را پاسخگو باشد؟ حقیقت امر این است که سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات مبتنی بر آزمون و خطا از یک سو و بینش‌های متفاوت و گاه متعارض در زمینه‌ی توسعه از سوی دیگر دست به دست هم داده‌اند تا در کنار تهاجم گسترده و سازمان یافته‌ی فرهنگ جهانی و همچنین روند رو به گسترش پدیده‌ی همانندسازی فرهنگ‌ها، سیمای فرهنگی و هنری جامعه و آرایش نیروها در کارزار فرهنگ‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار نباشد. به‌رغم افزایش شاخص‌های هنری و گسترش فعالیت‌های هنری به استناد آمار و ارقام، فعالیت‌ها و برنامه‌های موجود هنوز مناطق وسیعی از کشور و قشرهای گوناگون جامعه را پوشش نمی‌دهد. در کنار این کمبودها و کاستی‌ها، ترویج شبه فرهنگ‌های غیر مجاز زیرزمینی - که غالباً با اصول و مبانی فرهنگی و ارزشی مادر تضاد و تعارض قرار دارد - وضعیت نامطلوب و بغرنجی را دامن می‌زنند که عمدتاً قشرهای جوان و نوجوان را به عنوان گروه‌های هدف مخاطب قرار داده‌اند و از این رهگذر پاره‌ای ناهنجارها و آسیب‌های اجتماعی گریبان‌گیر جامعه‌ی ما شده است.

چاره‌ی اساسی برای برون‌رفت از این بحران فرهنگی تحمیلی و غلبه بر پیامدهای ناگوار آن، ترویج و گسترش فرهنگ و هنر مبتنی بر ارزش‌های ملی و مذهبی و همچنین تعامل سازنده و هوشمندانه با دیگر فرهنگ‌ها و بهره‌گیری از تجارب و دستاوردهای مقبول جهانی است. همچنین انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی در زمینه‌ی هنر به منظور آگاهی از میزان سودمندی و مطلوبیت در فعالیت‌های هنری و حداکثر بهره‌گیری از تأسیسات، تجهیزات و امکانات و نیروهای موجود که به کمک علم اقتصاد امکان‌پذیر است، نکته‌ای است که اندکی مغفول مانده است. صنعت فرهنگی، با توجه به ماهیت و خصلت تولید

اقتصاد هنر را می‌توان بررسی جنبه‌های اقتصادی تولید، مصرف و یا عرضه و تقاضای محصولات و یا خدمات فرهنگی و هنری دانست. نکته‌ی نهفته در این تعریف آن است که مراد از واژه‌ی فرهنگ در اینجا، به معنای محصولات فرهنگی و هنری مانند: کتاب، فیلم، آثار موسیقایی و هنرهای نمایشی و موارد مشابه است و منظور از بررسی جنبه‌های اقتصادی، تولید مصرف و یا عرضه و تقاضای محصولات و خدمات فرهنگی و هنری است که اقتصاد فرهنگ به بررسی و شناسایی عوامل و عناصر دخیل در تولید، مصرف و یا عرضه و تقاضای این محصولات می‌پردازد.

علم اقتصاد و یا نظریه‌های اقتصادی صرفنظر از کارکرد کالا، مطالعه‌ی عوامل اقتصادی مؤثر بر عرضه و تقاضای کالا و خدمات و نیز عوامل تولید به مفهوم عمومی آن توجه دارد.

علم اقتصاد با تکیه بر قوانین و قواعد خود می‌تواند با تعیین مطلوبیت کالاها و یا خدمات هنری به امر پیش‌برد فعالیت‌های هنری کمک نماید. دستاوردهای فعالیت‌های هنری اعم از هنری‌های تجسمی و یا نمایشی و هر نوع خلاقیت و آفرینش هنری دیگر به عنوان کالا و یا خدمات، بدون ارائه به مخاطب یا مصرف کننده نمی‌تواند مطلوبیت یابد و در نتیجه از گسترش و توسعه باز می‌ماند... علم اقتصاد فرهنگ و هنر در این مناسبت با مطالعات و بررسی‌های خود، مسیر صحیح فعالیت‌های هنری را در چرخه‌ی تولید، عرضه و مصرف نشان می‌دهد. چنانچه محدودیت‌های نسبی منابع را برای ارضاء نیازهای فزاینده‌ی گروه‌های مختلف جامعه، مبنای حضور نظریه‌ی اقتصادی در فرآیند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در حوزه‌ی فعالیت‌های هنری بدانیم، در جامعه ما که منابع و تولیدات در قیاس با انتظارات محدودیت بیشتری دارد، اهمیت و نقش مقوله‌ی هنر و به عبارت دیگر ابعاد اقتصادی تولید و مصرف محصولات هنری حائز اهمیت خواهد بود.

با بیان این مقدمات و کلیات در باب صنعت فرهنگی و اقتصاد هنر



- ۳- نحوه‌ی پاسخگویی به نیازهای هنری جامعه - به ویژه جوانان و نوجوانان در حوزه‌ی صنایع فرهنگی.
- ۴- ارائه‌ی الگوی تقاضای کالاهای هنری متناسب با ویژگی‌های فرهنگی کشور
- ۵- بررسی وضعیت «عدم تعادل» عرضه و تقاضا در بازار کالاهای هنری ایران «مازاد تقاضا» و یا «مازاد عرضه»
- ۶- بررسی شیوه‌های موثر بازار بین‌المللی کالاهای هنری ایران

#### منابع

- ۱- احمدی، بابک، خاطرات ظلمت درباره سه اندیشمند مکتب فرانکفورت، تهران، ۱۳۷۹
- ۲- آدورنو، تئودور - هورکهایمر، ماکس «صنعت فرهنگ سازی، روشنگری به مثابه فریب توده‌ای» مراد فرهادپور، ارغنون، شماره ۱۸ (پائیز ۱۳۸۰)
- ۳- نوذری، حسینعلی، نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی، چاپ یکم، نشر آگه، بهار ۱۳۸۴
- ۴- خلاصه‌ای از آراء و نظریات مکتب فرانکفورت / محمد الیاس قنبری
- ۵- درباره‌ی صنعت فرهنگ سازی / عباس کاظمی
- ۶- رویکرد یونسکو به صنایع فرهنگی در عصر ارتباطات و اطلاعات (اندیشگاه شریف)
- ۷- اقتصاد و توسعه هنر، مجموعه مقالات گردهمایی اقتصاد و هنر، مرکز مطالعات تحقیقات هنری وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی
- ۸- فصلنامه هنر شماره ۴۳ بهار ۱۳۷۹ / مرکز مطالعات و تحقیقات هنری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

انبوه آن نیز چاره‌ای جز تبعیت از قوانین اقتصادی ندارد. رویکردهای فناوری به مفهوم توسعه به معنای عام و توسعه فرهنگی به معنای خاص، مستلزم شناخت و بررسی پدیده‌های نوینی است که در دهه‌های اخیر، ارتباطات و دیگر حوزه‌های مرتبط با آن را متحول نموده و فعالیت‌های هنری را نیز زیر نفوذ خود قرار داده است.

#### نتیجه:

بسط و گسترش فعالیت‌ها و برنامه‌های هنری به منظور بهره‌مندی گروه‌های وسیعی از مردم از مواهب هنر، مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر اندیشیده‌ای است که بتواند موجبات رشد و بالندگی و شادابی جامعه را فراهم نماید. حداکثر استفاد از منابع و امکانات و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و دستاوردهای علمی در این زمینه بسیار خطیر و حائز کمال اهمیت است.

در این زمینه، جنبه‌های مثبت و سازنده‌ی صنعت فرهنگی می‌تواند در خدمت نشر و ترویج ارزش‌های متعالی جامعه و برنامه‌های هنری قرار گیرد.

برای نیل به اهداف مورد نظر در این زمینه و نهادینه شدن آن، افزودن بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تلاش و کوشش محققان و سازمان‌های پژوهشی بسیار مفید و راهگشا خواهد بود.

در خاتمه نظر اندیشمندان و پژوهشگران را با دغدغه‌ها و پرسش‌هایی به منظور چاره‌جویی و ارائه‌ی طریق جلب می‌کنم:

۱- اهمیت و نقش مطالعه و تحلیل اقتصادی در شناخت و تبیین صحیح تنگناهای اقتصادی موجود در رونق فعالیت‌ها و برنامه‌های هنری.

۲- چگونگی ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و بومی آن با صنعت فرهنگی.